

ارگانهای سرکوب رژیم باز هم گسترش می یابند

بقیه از صفحه اول

مدل رژه می رفتند ، نزدیک به نیم ساعت از وقت مراسم رابه خود اختصاص داده بود .

کمیته ها که تا همین چندی پیش حتی ادامه موجودیتشان مورد تردید بود ، اینک تقویت گشته ، و با جذب نفراتی تازه از میان ارادل و او باش ، گسترش یافته اند . حیاط عطلیات آنها وسیع تر گردیده و از جمله وظیفه کنترل مرزهای گشوراد برابرتد عناصربنروهای سیاسی ، به آنها سپرده اند . برای ایچساد قرارگاهها و خطوط تازه مورد نیاز شان اخیرا تنهاسیک قلم ، ۶ میلیارد ریال اختصاص داده اند . واحدهای تازه تاسیس منکرات ، امکانات و پرسنل بسیار ، شروع به کار کرده اند . آنگونه که رسما اعلام شده است ، این واحدها در آینده با تبدیل شدن به وزارت امریه معروف و نهی از منکر ، جایگاه ویژه ای راتصاحب خواهند کرد .

کارسازماندهی و وزارت اطلاعات باجدیت پیش می رود . باقیاننده پرسنل ، امکانات ، اسناد و ۰۰۰ ساواک در اختیار آنان قرار گرفته است . سازماندهی و وزارت اطلاعات باهمسان فرم ساواک و بمنظور انجام همان وظایف صورت می گیرد .

واحدهای کنترل ساواک در ادارات ، کارخانجات و ۰۰۰ که به دایره حفاظت موسوم بودند ، احیاشدند . برای حفظ صورت ظاهرنام آنرا به دایره حراست تبدیل کردند . در کنار آنها انجمنهای اسلامی جای دارند که از سوی حکومت وظیفه دارند تا بجا به بازوی ارگانهای سرکوب عمل کنند . آقای نخست و زیرچند روز قبل اعلام داشت نیاز مابه انجمن های اسلامی افزایش یافته است و لذا تقویت می شوند .

گسترش ، تقویت ، ایجاد و بازسازی ارگانهای سرکوب ، نشانه آشکار تنگ تر شدن جدی پایه توده ای رژیم و نشانه گسترش دم افزون مبارزه مردمی است که به اعتمادشان خیانت شده است . رژیم کسه از پاسخگویی به مطالبات مردم عاجز مانده است ، راه سرکوب باز هم بیشتر ابرگزینده است . هیچ عرصه ای از حیات کشور نیست که از تاخت و تاز چکمه پوشان رژیم در امان مانده باشد . رژیم حتی پایبندی مردم به سلیقه ها و علایق شخصی رانیز نشانه ای از تمد و طغیان می بیند . آزار اقلیتهای مذهبی ، ایذا ، اهانت و ضرب و شتم زنان و ۰۰۰ و انکش خشتاگیسن حکومتی است که از تحمیل روشها و معیارهای

بیا قابه یاد شهیدان تیر!

قیام سی تیر ۱۳۳۱ ، بمثابه بزرگترین حادثه دوران ملی شدن نفت ، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم ایران است .

روی کار آمدن قوام السلطنه به دنیسال زد و بند و سازش امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم انگلیس ، و پشتیبانی از قوام و تقویت وی توسط آنها ، قبل از هر چیز ، نشانه شکست استراتژی و تفکری بود که حاضر نبود آمریکا را بمثابه دشمن مردم ایران بشناسد و بشناساند . در عین حال که از روش کسانی مانند هندرسن - سفیر آمریکا در ایران - ابراز عدم رضایت می کرد ، امید وار بود ، با تکیه بر تضادهای امپریالیستی و جلب نظر مساعد آمریکا مبارزات ضد امپریالیستی را پیش برد . روی کار آمدن قوام نشانه شکست سیاست مانور میان امپریالیستها بود .

درسهای قیام سی تیر ، هنوز هم آموزنده اند . جریان قیام سی تیر ، نشان داد کسه جنبش استقلال طلبانه ، تنها از کاناال یک جنبش عمیقاً ضد امپریالیستی و در نتیجه نبرد قاطع و پیگیر با نیروهای امپریالیستی - چه آمریکایی و چه سایر امپریالیستها - و با تکیه بر نیروی لایزال توده های می تواند پیروز شود . مردم ایران کسه با مقاومت حماسی خود در قیام سی تیر ، ۸۰۰ نفر شهید و زخمی دادند ، به وضوح دست خون

آلود امپریالیسم آمریکا در کشتار سی ام تیر - را عیان و توطئه مشترک امپریالیستها را با شکست مواجه ساختند .

اهمیت دیگر قیام سی تیر ، در نشان دادن ضرورت امکان اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی در عرصه نبرد بود . در نتیجه همین اتحاد بود که مصدق ، نه از طریق بند بازی های سیاسی و نه از طریق بهره گیری از تضادهای جناحی و دول امپریالیستی ، بلکه بر روی امواج قیام توده مردم و به ویژه ابلقات زحمتکش پیروز شد .

برجسته ترین خصلت این قیام ، آشکار ساختن نقش قاطع و تعیین کننده کارگران و حزب ابلقه کارگر در مبارزات ضد امپریالیستی بود . قیام سی تیر ، با اعتصاب نفت گران آبادان و سایر زحمتکشان آغاز شد و با رهبری حزب توده ایران شعارهای " مرگ بر شاه " ، " مرگ بر امپریالیسم آمریکا " ، با شیوه های قاطع نبرد در آمیختن سی تیر ، آشکارا مهر و نشان تسود های داشت و همین تحول کیفی در جنبش ملی شدن نفت ، مهم ترین عامل پیروزی قیام بود .

با فرامیداشت خاطر شهدای ۳۰ تیر و با درس گیری از تجربیات این قیام وظایف انقلابیان را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی هر چه کاملتر به انجام رسانیم .

تنگ " رساله ای " خود عاجز مانده است . همه جاراشلاق به دستان بیرکرده اند . باگسیسل مامورانی که نخته شلاقهاریدک می کشند ، می خواهند مردم را موعوب نمایند و به تکیه نظر و ادارند . شدت اختناق و سرکوب به جایی رسیده است که حتی یکی از نمایندگان برگزینده حکومت در مجلس با هراس این حدیث رابخاطر سردمداران می آورد که " مملکت به کفر می ماند ، اما به ستم نمی ماند " .

حقیقت این است که بکارگیری بازهم گسترده تر سرکوب ، نه نشانه قدرتمندی رژیم که قبل از هر چیز بیانگر در فاندگی آن است . آنها که گمان می کردند با سرکوب قادر خواهند شد راه تثبیت سیستم دلخواه خود در اموار سازند ، اینسک در می یابند که راه بغایت دشواری رابرگزینده اند . مردم ناظر خاموش تدفین دستاورد های انقلاب نمی مانند ، به هرگز و سیاهکاریهای حکومت تعیین نمی کنند ، مطالباتشان را از یاد نمی برند . در شهر و روستا ، کارخانه و مدرسه ، خیابان و اداره ، مبارزه قد می کشد و مبارزات پراکنده دامنه می گیرد .

گزارشات نشان می دهد که در ماههای اخیر ، رژیم وسیع تر از پیش از ماهورین شهریانسی در امر سرکوب استفاده می کند . آنها که پیش از این نمی توانستند نقشی متناسب با نیازهای رژیم برعهده بگیرند ، اینک بطور روز افزون انجام وظایف تازه تری رابرد و می گیرند . برای آنها نیز تجهیزات و وسایل تازه ای وارد کرده اند .

تکیه بر محدود و سه سرنیزه ، سرنوشت همه رژیم هایی است که گستره اعتماد مردم را از دست می دهند . تاریخ همواره آموزخته است کسه سرنیزه تکیه گاه بی تکلیفی است . اما هیچگاه مرتجعین نتوانستند این درس تاریخ رافر بگیرند . در ایران ، شاه می خواست " بزور هم که شده " تعدن بزرگ " را مستقر نماید و سرتگون شد . سردمداران حاکمیت جمهوری اسلامی هم که می گویند " حتی اگر همه مردم همینخواهند نظام " اسلام رساله ای " را مستقر خواهیم کرد و به ناچار برعروض طول ارگانهای سرکوب می افزایشند ، چه سرنوشت بهتری راجستجو می کنند ؟

پیش بسوی جبهه متحد خلق

حکومت تجار و مالکان و نمایش "هفته کمک به مستضعفین"

بقیه از صفحه اول

ما بارها گفته است: این سیاست علاوه بر تحقیر توده های دها میلیونی محرومان - بر پا کنندگان واقعی انقلاب - اعلام مصونیت مناسبات غارتگران کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی از هرگونه تعرض و دستبرد است.

رهبران چ.ا. که روزی از "حکومت مستضعفین" و "هزیمت مستکبرین" حرف می زدند و ادعا می کردند که "باید دست این مستکبرین را بگیریم و آن قدر فشار بدهیم و بر سرشان بزنیم که تسلیم حق شوند" سرانجام خود تسلیم مستکبرین شدند و سرنوشت انقلاب شکوهمند بهمین راه که حاصل خون صدها هزار مردم زحمتکش میهنمان بود، بدست مدافعین سرسخت کلان سرمایه داری و بزرگ مالک سی سپردند. امروز دیگر برای رهبران چ.ا.،

چریدن بچه های سیستانی و هسته خرمی خوردن بچه های بلوچ مهم نیست. آنها زمانیکه به بن بست تعیین راه رشد اقتصادی اجتماعی برخوردند، تشخیص دادند که اگر پیش از این با مردم باشند، باید به آنها زمین بدهند، خانه بدهند، کار بدهند، قانون کار مترقی بدهند، آزادی شکل بدهند. حق داشتن عقیده بدهند، مدرسه بدهند،

و دادن اینهمه مستلزم آن بود که اساس جامعه تکلیت پار آریامبری دگرگون می شد، کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بر چیده می شد و محرومان به حق می رسیدند که تا امروز بدست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکسان تاراج شده و همچنان می شود. و اینهمه مغایر با سیاست "جاهای بسیار محترمی" است که "به نام دین از میلیاردها دفاع می کنند" و دشمنی با مراکز قدرتی است که آنها فقط به نفع پول دارها همیشه حرکت می کنند.

سازمان ما زمانیکه رهبری انقلاب، راه سازش و تسلیم به راست و خیانت به اهداف انقلاب را برگزید، نوشت: "باید عمیقاً به این حقیقت توجه کرد که تحول اوضاع به سود راستها قادر به حل هیچیک از تضادهای اجتماعی و طبقاتی جامعه که اکثریت مردم از آن در رنجند، نخواهد بود. این تحول در صورتی که تثبیت گردد "مستضعفان" را لاغرتر و "مستکبران" را فریتر خواهد ساخت."

امروز گذشت زمان، درستی این نظریه را با قاطعیت تأیید می کند. حاکمیت چ.ا.، درمانده از بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی که نتیجه مستقیم انتخاب راه رشد سرمایه داری از طرف رهبران آن است، چاره کار را در آن می بیند که از طریق موظف به صاحبان ثروت و سرمایه و باصطلاح تشویق آنها برای دادن "اعانه"، "صدقه" و "احسان" به "مستضعفین"

شکافی را که بین فقر و ثروت روز بروز عمیق تر می شود لاپوشانی کند. عسکرا ولادی رسواترین نماینده جناح راست افراطی، که صحنه گردان این معرکه تبلیغاتی است میگوید:

"ما راه علاج محرومیتها را بیشتر از طریق سنتی و محلی تشخیص دادیم لذا تلاش امدادگران اینست که بر اساس تجربیات هر محل به رفع محرومیتهای آن محل بپردازند."

حال ببینیم، این "طریق سنتی و محلی"

چگونه "به رفع محرومیتها می پردازد"؟ روزنامه کیهان ۳ تیر، در حاشیه برگزاری هفته "کمک

به مستضعفین" ضمن نظرخواهی از مسئولین "کمیت امداد امام و خود "مستضعفین"، از

زبان زن جوانی می نویسد: "مدت یکساله که به زیر پوشش کمیت امداد امام و ادارای دووجه

۲ و ۶ ساله هستم در ایام جوانی شوهر ناقص شده و نمی توانم ترکش کنم. پسر امسال بد رسه

میره و از من لباس نومیخواد، از من لوازم تحریر میخواد، او نفیهمه که مستضعف یعنی چسه،

نفیهمه فقر یعنی چه، کمیت امداد امام ما هانه ۶۰۰ تومن مستمری بمن میده و من ۴۰۰ تومن

کرایه میدم و بلاخره من میمونم با ۲۰۰ تومن پول و دو بچه و یک فرد علی مال گردنم، آخسه

من چهلر با ۲۰۰ تومن پول زندگی کنم؟ ... من یک فرد تحصیل کرده هستم، چهار ستون بدنم

ساله، بهر کجا که مراجعه میکنم به کمیتسه امداد امام مراجعه کن، من هر دفعه میام اینجا،

خجالت میکنم، دستم را دراز کنم. کمیتسه باید بمن کار بده، اونهایکه مسئول هستند باید ما

را دریابن، این ۲۰۰ تومن را به من ندن. زمین در اختیار من بگذارن. من دست دارم مثل

یک انسان زندگی کنم. الان ۵ ساله که انقلاب شده، ۵ و ۶ ساله یا سه ساله جنگه،

۵ ساله که دگرگون شدیم واقعا باید به اندازه این دگرگونیها به ما برسن. ما بودیم که انقلاب کردیم،

ما بودیم که مشتها را گره کردیم و ما ئیم که انتظار داریم و گرنه اونایکه دستشون به دهنشون

میرسید هنوز هم سر جایشان هستن و براشون فرقی نکرده. دفتر امام جمعه بودم هزار زدم گریسه

کردم، و از اونجا خواهش کردم که بمن کار بدن، به تمام بیمارستانهای شهر و به اداره بهزیستی رفتم...

ولی اونای میگفتن کار نداریم یا میگفتن باید از مسجد محل تأییدی بیاری."

آری، "مستضعفان" می گویند "صدقات"، "اعانات" و "احسان" ارزانی خودتان به امانت و اینهمه اهانت و تحقیر هم شایسته خودتان، آنها

می گویند، طبق قانون اساسی دولت موظف است که نیازهای اساسی جامعه از قبیل "مسکن،

خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای

همه "را فراهم کند و موظف است که "شرایط

و امکانات کار برای همه" را تأمین نمایند.

پرواضح است، زرعی که احیا، مناسبات

اقتیاد آمیز سرمایه داری وابسته و تأمین منافس

آزمندان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکسان

را رسالت خود قرار داده، بهیچوجه نمی توانند

کوچکترین معضل اجتماعی - اقتصادی را پاسخگو

باشند، و تسک به "اعانه"، "صدقه" و "احسان"

و یا به قول عسکرا ولادی "طریق سنتی و محلی"

هم چیزی جز رسوایی بینتستر نصیب نخواهد کرد. مهدوی کئی، یکی

از مسئولین راستگرا و مدافع سرسخت "طریق سنتی و محلی"

عسکرا ولادی، در حاشیه هفته "کمک به مستضعفین" می گوید: "کمیت امداد

توانسته، با بهره گیری از کمکهای مردمی و تعاون عمومی و بدور از قوانین پیچیده دست

وپا گیر اداری خدمات شایان توجهی را به جامعه و افراد حتی در درون ترین نقاط مملکت

بنماید." (جمهوری اسلامی ۲۹ خرداد)

آنچه را که مهدوی کئی "خدمات شایان توجه"

می نامد، از زبان مسئول کمیت امداد امام در اهواز، براستی "شایان توجه" است. وی

می گوید: "به زنان منحرفی که پس از رفتن به کانون تربیت، اصلاح شده اند ما هانه ۲۰۰ تومن

مستمری میدهم. چگونه میتوان از آنها توقع داشت که با این

مستمری یکماه زندگی کنند و دوباره به راههای منحرف کشانیده نشوند؟"

یکی از اعضای شورای سرپرستی کمیت امداد امام می گوید: "کمیتسه به خانواده های مستضعفی که استضعاف و استحقاق شان ثابت شده ما هانه

۱۵۰ تا ۳۰۰ تومن مستمری و مقدار جیره خشک اعم از لوبیا، نخود و برنج میدهد و سئوالی که

اینجا مطرح میشود این است که چگونه یک خانواده چند نفره میتواند با این مقدار کم

جیره و مستمری یکماه زندگی کند؟"

آری، جبار و جنجال گوشخراش و مشتمز کننده گردانندگان چ.ا. در هفته "کمک به

مستضعفین" بخاطر ۱۵۰ تا ۳۰۰ تومانی است که ز محل "صدقات" تجار چپا و لگرا بارو همپالگی

سهاشان به چندین نفر از محرومین کشورمان که "استضعاف و استحقاق شان ثابت شده"

ما هانه پرداخت می شود.

نه! رژیم باید خجالت بکشد!

دری تثبیت راه و روش ضد مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی، معضلات و نابسامانی

های اجتماعی شتابان گسترش می یابند. افزایش لجام گسیخته اعتیاد، فحشا، خودکشی

و ... قبل از هر چیز داغ ننگی است بر چهره این رژیم.

از باختران، تنها در طول یک ماه از بهار، پنج مورد خودکشی گزارش شده است.

در یک مورد، کارگری خود را به رودخانه انداخته و غرق می کند. در وصیت نامه اش

نوشته بود: "از صورت زن و بچه ام خجالت می کشم، دیگر قادر نیستم بار این زندگی را بکنم، نمی توانم خانواده ام را اداره کنم."

قلاشهای اخير دولت برای مهار توروم:

دست و پا زدن در يك با تلاق

بقیه از صفحه اول

این شاخص، با توجه به اظهارات گوناگون ارگانهای مذکور، مسلماً در سال گذشته و نیز در همین ماهی که از سال ۶۳ می گذرد - خاصه در نتیجه تاثیر جریانهای پیش آمده در خلیج فارس بر روی اقتصاد کشور - رکورد جدیدی به جا گذاشته است. بالا گرفتن بحث در مورد توروم در جراید اربعه، نشان دهنده حساسیت اوضاع و رسیدن به خط قرمز است.

تکنوکراتهای جمهوری اسلامی می کوشند برای تخفیف بحران، از مغزهای بی مایه خویش که گرنه هایی از دانش اقتصاد بورژوازی - از طریق تحصیل در دانشگاههای غربی - بر آنها نشسته است، راه حلهایی بجویند و در پیش پای رژیم، قرار دهند. سران قوم نیز کسه مدتهاست مدای اثر خطر کاشان را تلخ کرده است، با شتاب این فرمولها را به کار می گیرند و از مردم می خواهند که اگر کمربند هایشان را مقداری ببینتر سفت کنند، در آینده های نزدیک، همه مشکلات بر طرف خواهد شد. راه حلهایی که رژیم برای مهار توروم افسارگسیخته موجود، در پیش گرفته است، بیش از هر چیز به دست و پا زدن، در يك با تلاق می ماند. در زیر به برخی از آخرین تمهیدات "ضد تورومی" دولت، نظری می انکیم:

دولت که بیش از يك، سیم بود چه مملکت را (رسماً) به جنگ اختصاص داده است و هر ساله با کسری بودجه شدیدی مواجه می شود، مرتب دست طلب به سوی سیپتم بانکی کشور دراز می کند و با اتخاذ این شیوه، بانک مرکزی را و می دارد، بر سرعت گردش سنگاهها چاپ اسکناس بیفزاید. همین امر باعث شده است که حجم پول در گردش سال گذشته، بیش از ۲/۷ برابر رقم مربوط به خود در سال ۵۷ باشد. این سیاست که جلوه مستقیم اصرار بر تداوم جنگ است، مهمترین عامل محرکه رشد توروم افسارگسیخته فعلی است. جالب اینجاست که دولت از یکسو اسکناس بی پشتوانه منتشر می سازد و از سوی دیگر از تکنوکراتهای خویش آموخته است که باید برای کاهش توروم، در جهت کاهش نقدینگی تلاش ورزد. این تلاش کسه طبیعتاً بردانگی در مجموعه حیات اقتصادی کشور دارد، عمدتاً از طریق مخالفت با افزایش دستمزدها خود را نشان می دهد و یکی دیگر

طریق کاستن از بار توروم، دم بدم بر حجم واردات خود از کشورهای امپریالیستی می افزاید. و اصولاً تلاش اصلی دولت برای کاستن از کمبودها بیشتر در این راستا صورت می گیرد. سفر يك هیئت از وزارت نفت به آلمان فدرال در تاریخ ۱۵ خرداد ماه کسه رهگشای سفر گنشر به ایران بود و مقارن با آن دیدار مدیر کل سیاسی وزارت خارجه زاپن با مدیر کل اقتصادی وزارت خارجه ایران در تهران این "بشارت" را در پی داشته که در آینده، مجدداً بر حجم واردات از این کشور ههای امپریالیستی، افزوده خواهد شد.

در ماههای اخیر، گرانی و کمبود محصولات کشاورزی از هر هنگام دیگری، منحوستر بود. در مجموعه عواملی که این امر را باعث شده است، دو عامل که یکی به مسائل عمومی دهقانی و دیگری به کیفیت شبکه توزیع در ایران برمی گردد برجستگی خاصی داشته اند. دولت در ابتدای بالا گرفتن بحران "هند وانه و سیب زمینی" در اواسط بهار، کوشید با يك شمشیر چوبین، به جنگ تشدید عملکرد عامل دوم برود. تلاش دولت خیلی سریع با ناکامی مواجه شد و بر بار بحران افزود. دولت با اولین درگیری، مصلحت را در عقب نشینی تشخیص داد و با چشم اندازی حیرت زده، از حاشیه به تماشای اوج گیری مداوم بحران، نشست. با پدید آمدن این وضعیت، راستترین جناحهای حاکمیت که مدافع "غارت بدون کنترل" هستند، فرصت را مساعد تشخیص دادند تا کتاه توروم را به گردن وجود و بازار - یکی "آزاد" و دیگری دولتی - بیندازند. (به عنوان نمونه رجوع شود به حرفهای شیخ محمد یزدی در مجلس جمهوری اسلامی ۴ تیر)

بررسی اقدامات اخیر برای مهار توروم و رشد افسارگسیخته قیمتها در بازار بی روی پیکری که گردانندگان آن کاملاً به "عنايات خاصه" رژیم مستظهرند، نشان دهنده گیسری و سردرگمی عجیب حکومتی است که در هراس از روند روبه رشد اعتراضات توده های، هر دم بینتر در آغوش بورژوازی، و راه حلهای بورژوازی پناه می جوید. هر راه حلی که تا کنون ننگین و کراتهای اسلام پناه رژیم برای مهار توروم ارائه دادماند، فوراً نتیجه عکس بخشیده و به ضد خود تبدیل شده است. دولت به دنبال بروز شکست هر يك، از این راه حلهای مسالسه جنگ را مطرح می سازد و از مردم می خواهد که با این وضعیت فلاکتبار بسازند. شعار "جنگ" رژیم نه تنها شعار "نان" را "منسی" نمی سازد، بلکه بر صلابت آن نیز می افزاید، پیونبد "صلح" و "نان" را مستحکمتر می کند و بر جنبش توده های، دامنه بیشتری می بخشد.

از جنبه های آن کاستن از سوسید کالاهاست که در ماههای اخیر دامنه وسیعی یافته است. رژیم اخیراً برای جذب مقداری از پول متوروم موجود در بازار، تصمیم به عرضه طلا گرفته است. در اوایل خرداد ماه، بانک ملی اعلام کرد، در صدد است برای سال جاری، يك میلیون عدد سکه بهار آزادی در شعب خود، به معرض فروش بگذارد (کیهان - ۹ خرداد). این راه حل، به لحاظ اقتصادی همطراز با چاپ اسکناس بی پشتوانه است و معنای سیاسی واقتصادی خاصی دارد. دولت در عمل پی برده است که مردم، به خاطر بی اعتمادی نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی رژیم، به سیستم بانکی کشور نیز بی اعتمادند و لذا احیاناً اگر پولی در بساط داشته باشند، حاضر نیستند آنرا به صورت سپرده بانکی در آورند. این فاکتور، عاملی است افزوده بر فاکتور عمومی کاهش میزان سپرده های بانکی در حالت رشد توروم. علاوه بر عرضه طلا، دولت کوششی کند با تمهیدات دیگری مردم را با سیستم بانکی مرتبط و درگیر سازد و به حساب مردم، صندوق شعب بانکها را، بی پول نگذارد.

یکی از علل مهم توروم و گرانی در سالهای اخیر، کاهش حجم تولیدات داخلی است. در حال حاضر، تقاضا در رابطه با همه کالاها، بر عرضه چریش دارد و ضرورتاً بالا رفتن قیمتها را به دنبال می آورد. جمهوری اسلامی برای رفع رجوع این نقیصه، راه امتیاز دادن به کلان سرمایه داران و سرکوب کارگران را برگزیده است. دولت تلاشی می کند به بورژوازی بزرگ صنعتی دم بدم امتیازات بیشتری بدهد. در هفته های اخیر، مصاحبه معاون وزارت صنایع سنگین با روزنامه اطلاعات (۱۶ خرداد)، از برداشتن يك گام تازه در این جهت، حکایت می کرد. آن چنان که به وضوح از این مصاحبه بر می آید، سران رژیم بر آنند که در پوشش مشارکت و همکاری، دست این ضربه خوردگان از انقلاب بهم را، مجدداً در عرصه صنایع کلیدی کشور، باز بگذارند. علی رغم همه تشبیهات، کرنشها و امتیازدهی ها، هنوز سرمایه بنا بر قانون کسب سود حداکثر و به دلیل عملکرد يك سلسله فاکتورهای سیاسی، بخش تجاری و بعد از آن بخش ساختمان را بر بخشهای صنعت و کشاورزی، ترجیح می دهد.

رژیم برای مقابله با عارضه کمبود کالا و از این

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

ايران بهشت قاچاقچيان بين المللي

بقيه از صفحه اول
وترياك و ساير مواد مخدر را به كشورمان وار
مي كنند . طی دو ماهه اول سال جاری بیش از
چهارتن ترياك كشف و ضبط شده است .
(كيهان ۲ تير)

در همین شماره كيهان ، در صفحه
حوادث به آمار تكان دهنده ديگري برمی خوریم :
" طی يك ماه گذشته ۳۴۳۰ كيلو ترياك ، ۸
كيلوگرم هروئين و ۲ كيلوگرم شيش ۰۰۰ و ۲۲۲
كيلوگرم ناسر كشيقات مامورين ناحيه ژاندارميسرى
سيستان و بلوچستان طی خرداد ماه امسال
پوده است ."

اين كشيقات تنها مشقتى است از خروارها
مواد مخدر كه چون سيلی بنیان كن و مرگ آفرين
بى وقفه به كشورمان سرازير مى شود ، و همين
مقدار هم كافی است تا كشورى را ترياكى ، هروئينى
و حشيشى بكند . و اين همه نتيجه جماعت و قبحانه
سردمداران رژيم ۰۱۰ از باند های ضد انقلابى
و قاچاقچى افغانى است . مگر نه اينست كه رسايه
پشتييانى ضد انقلابى حكام ۰۱۰ روزانه صدها
قاچاقچى با عنوان مبارز و مجاهد — كه بقول مردم
ايران خشا بهاي تفنگ ها شان هروئين و ترياك و
حشيش شليك مى كند — از مرزهای شرقى كشورمان
آزادانه رفت و آمد مى كنند ؟

واقعيات گواهی می دهند كه سردمداران
رژيم ۰۱۰ گذشته از اهداف ضد انقلابى و
همسویی فعال با ارتجاع منطقه و ارتجاع جهاني ،
بمنظور سر كوب انقلاب ملی — دم و كراتيك مردم
افغانستان ، و حمايت بيشرمانه از دستجات
مزد و رو قاچاقچى افغانى ، اهداف آزمندانده و
سود جو يانه ای را نيز ، از اين طريق دنبال
می كنند . بعنوان مثال سر فرهنگ بختگان
رئيس ادار مبارزه با مواد مخدر در رابطه با
كشف مقدار سرام آور هروئين و مرفين و ترياك
و حشيش از يكى از سردسته اين باند ها ، بنام
" حاج اله داد " مى گويد : " وقتى نامبرده به
دام افتاد ، چندين نفر كه صلاح نيست نام ه شان
را ببرم براى آزادی اين فرد كه ميليونها جوان را
معتاد و نابود کرده است اقدام كردند ."
(اطلاعات ۲۷ دى ۶۰)

اين واقعيت گويای آن است كه لااقل
بخشى از گردانندگان ذينفوذ ۰۱۰ كه صلاح
نيست نامشان برده شود " سهم های كلانسی
از قاچاقچيان افغانى در يافت مى كنند ، و لابد
در يافت اين وجوه تارا ، كه به قيمت نابودى
صدها هزار جوان ايرانى تمام مى شود . بيه
حساب در يافت " وجوه شرعى " مى گذارند .
مثل همان وجوه ها ت كه از كانال تجار چپا و لگر
و محتركان غارتگر با زارد در يافت مى كنند .

" بردنها و بردنها "

مسئولان و مدبران جمهورى اسلامى
می دانند كه در اين رژيم كسى را بآباد زدان كسارى
نيست . آنها با خاطرى آسوده در پناه ايمن
حريم امن به گرد آوری مال حلال و حرام
پرداخته اند . در كارخانات ، قوايى
دست كارگران را بسته و كارخانه را در اختيار
مدبران برگزيده مقامات قرار داده است . همانگونه
كه در گذشته گزارش کرده بوديم ، در كارخانه
لوله و ماشين سازى و اقع در جاده ساوه مدير
عامل منصوب همراه با چند تن از ديگر مديران
از مدت ها قبل آهن آلاتى را به عنوان مواد اوليه
مورد نياز خريدارى مى شد ، تحت عنوان آهن
قراضه مجدداً بار كميون کرده و به تاجر محترم
بازار مى فروخت . در آمد حاصله به حساب
شخصى مى رفت . كارگران كه ناظر اين دزدى
آشكار بودند با لاجرم در برابر آن پسا خاستند .
در روز ۶ ارديبهشت حدود ۶۰۰ نفر از كارگران
راه خروج كارخانه را سد کرده و مانع خروج كميون
هاى شدت كه مواد اوليه كارخانه را به بازار

گرمه ها و گشتى ها "

می بردند . آنها سپس به اطاق مدير عامل رفته
او را بيرون كشيد و از كارخانه بيرون مى كنند .
روز دهم ارديبهشت نيرو هاى از سوى
دادستانى انقلاب مركز به كارخانه مى ريزند .
مامورين مسلح در حاليكه تمام اسوارينزهاى
آخيرين مدل بودند مى كوشند كارگران را مرعوب
نمايند . فرمانده آنان كه خود را نماينده شخص
لاجوردى معرفى مى كرد خطاب به كارگران
گفت :

دستور دارم كارگران اخلاخل گروا بيه
دادستانى معرفى كنم . مدير عامل بايد سركار
باز گردد . اجازه نمى دهيم باشلوع كارى امور
پيش برده شود . كارگران نيابدين همه بفر
منافع خود باشند . او در بى مقدارى تهديدات
ديگر كارخانه را ترك مى كند .
فرداى ان روز مدير عامل در كمال قاحت
به كارخانه بازمى گردد . اما كارگران بى توجه
به تهديدات نماينده " شخص لاجوردى " بار
ديگر او را از كارخانه بيرون مى اندازند .

كمك هاى داوطلبانه ديروز

سر كسيه كردن شيدانه امروز

خود دارى كنند .

مسئولين آموزش و پرورش " انجمن هاى
اولياء و مربيان " را مجبور مى كنند كه براى
تامين نيازهاى جبهه ها و يا هزينه هاى جارى
مدارس ، از قبيل تعميرات ، سوخت ، بهداشت
خدرسه ، و يا اجاره بهاي عقب افتاده مدارس و . . .
از خانواده دانش آموزان پول جمع آورى كنند . به
عنوان نمونه ، اخيرا در يكي از مدارس تهران ، از
اولياء دانش آموزان دعوت گرديده و از آنها
تقاضاى پول مى شود تا به خريد آمبولانس و . . .
برای منطقه فرهنگى اقدام شود . اولياء اعتراض
کرده و مى گویند :

" اين درخواستها نوعى سر كسيه كردن —
مردم است . " يکى از مسئولين بخش ، در پاسخ
مطرح مى كند كه " جنگ است و بايد كمك نمود ."
حاضرين در اين جلسه با خنده استهزاء آميز
او را وادار به سكوت مى كنند .

آرى چنين است سر نوشت حكومتگران
جمهورى اسلامى كه با شعارهاى حمايت
از " مستضعفين " به ميدان آمدند و بلى
اكنون به كلاشى از " مستضعفين " مى پردازند
و مردم زحمتكش را و مى دارند ، به تامين
هزينه هاى جنگ خانمان براندازى " كمك "
نمايند كه جوانان و نوجوانان و پيران را بيشمار
به قتلگاه و معرض بيب و گلوله مى كشاند . اگر
مردم ديروز داوطلبانه به جبهه ها كمك مى كردند
امروز در برابر اين نوع سر كسيه كردن عوامل
حكومتى مقاومت مى كنند .

جنگ جنون آميز و توسعه طلبانه رهبران
جمهورى اسلامى و مسئله تامين نيازهاى ماشين
جنگ ، تمامى نيروهاى مادی و معنوى ميهنمان
را در اختيار گرفته و مى بلعد .
مردم زحمتكش در آغاز جنگ حقانيت
دفاع از ميهن و رفع تجاوز حكومت عراق را با
پوست و گوشت خود لمس مى كردند ، داوطلبانه
هر چه در توان داشتند به جبهه هاى جنگ
عادلانۀ تقديم مى كردند . كارگران ، كشاورزان
و ساير زحمتكشان از نان شب خود مى بريند
تا نيازهاى جبهه را تامين كنند و ولا ترازان ،
از جان خود و فرزندان خود ، براى دفاع از
انقلاب و ميهن مى گذشتند .

اما از زمانى كه رهبران حكومت ، خانانۀ
تمامى آماج هاى انقلاب را لگدمال کرده و جنگ
خانانۀ زور ويرانگر ، همچنان بعنوان عاملى
برای اهداف توسعه طلبانه و نزديكى بيه
امپرياليسم جنون آسا ادامه يافت .

مردم به حق از كمك به اين جنگ خانمان
برانداز خود دارى كردند . اما مسئولين جمهورى
اسلامى و كارگزاران وابسته به آن با تهديد
و ارعاب و عوامفریبى به كلاشى و سر كسيه كردن
مردم زحمتكشى پردازند . طبق اخبار رسيده
در كارخانات كسر كردن حقوق كارگران بيه
عنوان " كمك " به جبهه ها ادامه دارد .

افراد حكومت به " مستضعفان روستاها "
كه از طرح " شهيد رجائى " ماهيانه ۳۰۰ تومان
در يافت مى كنند " تكليف " كردنند ، كه براى
" كمك به جبهه " داوطلبانه ! از در يافت آن

مصاحبه نشریه "اکثريت" با یکی از مقامات سفارت نیکاراگوئه در "شب نیکاراگوئه"

در پنجمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه توطئه دشمن بسیار است، اما اراده مردم را پایانی نیست

در روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ مطابق با ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸، انقلاب خلقی نیکاراگوئه به رهبری جبهه‌سازان نیست‌ها به پیروزی رسید. انقلاب نیکاراگوئه تقریباً همزمان با انقلاب ایران اوج گرفت و پیروزگشت. مردم ایران در همان هنگامیکه در کار در هم شکستن سلطنت امپریالیستهای آمریکایی و سرنگونی رژیم دست‌نشانده امپریالیسم بودند، با شوق، انقلاب نیکاراگوئه را پیگیری می‌نمودند، که در گوشه دیگری از جهان، همان آماجبارانشان گرفته بود. نبرد همزمان در راه استقلال و آزادی و در جهت تحقق عدالت اجتماعی، پیوند همبستگی و ویژه‌ای را در میان مردم دو کشور برپا آورد. اینک در حالیکه حاکمیت پس از انقلاب در ایران، راه خیانت به مردم را پیش گرفته و به سازش و تسلیم کشیده شده است، انقلاب نیکاراگوئه همچنان با گردن‌فرازی پیش می‌رود، همه تشبیهات کین‌توزانه امپریالیستی و توطئه‌های ضد انقلابی را نافرجام گذاشته است.

وارد می‌کند، چه تأثیری بر خلق نیکاراگوئه دارد؟
 اینها از قبل بگویم که تمامی این فشارها و تضحیات بر علیه خلق ما برای ما غیر منتظره نبود. خلق ما از روزی که تصمیم به آزادی گرفت، بر روی تمامی این مسایل فکر کرده بود. لیکن باید گفت که این توطئه‌ها، خلق ما را مصمم تر گردانید که از آزادی خود، از استقلال خود و از انقلاب خود دفاع کند. این توطئه‌ها باعث گردید که خلق به یک قدرت بی‌نهایت قوی معنوی دست یابد و صفوف خود را مستحکم تر گرداند. هم‌اکنون در نیکاراگوئه، خلق ما از نوجوانان ۱۲-ساله تا پیرمردان ۶۰ ساله، مسلح هستند و تصمیم به دفاع از شرافت و حیثیت انسانی خود گرفته‌اند. بزرگترین توطئه‌ها را چنین خلقی قادر به درهم‌کوبیدن است و درهم خواهد کوبید.



۱- تفنگ‌هایمان، تانک‌هایمان و توپ‌هایمان به صلح خدمت می‌کنند (شعاری در ماناگوئه)

س: یکی از مسایلی را که ضد انقلاب در نیکاراگوئه مطرح می‌کند، وجود کارشناسان نظامی کویائی در نیکاراگوئه است، آیا این امر صحت دارد؟

این هم یکی از دروغ‌های بی‌شرفانه‌ای است که ضد انقلاب بر علیه انقلاب ما پخش کرده است و بدین ترتیب می‌خواهد ماهیت تجاوزگرانه خود را بپوشاند. در تمامی نیکاراگوئه یک مشاور نظامی کویائی وجود ندارد. البته این بدان معنی نیست که در نیکاراگوئه کویائی‌ها حضور ندارند. ۲۰٪ از کل کادر آموزش و بهداشتی ما را کویائی‌ها تشکیل می‌دهند و شما آنها را در سراسر نیکاراگوئه چه در دهکده‌های دور افتاده مرزی و چه در ماناگوئا می‌توانید ببینید و لازم به پنهان کردن هم نیست.

س: یکی از مهمترین وظایفی که دولت انقلابی نیکاراگوئه در پیش‌روی خود داشت محو بیسوادی و سوادآموزی بود، می‌توانید راجع به کمبودها و یا مشکلات این امر مهم توضیحی بدهید؟

وقتی که آدم به عمق و وسعت مساله توجه

در سراسر جهان سالگرد انقلاب نیکاراگوئه با شوق و غرور، جشن گرفته می‌شود، به همین مناسبت در شهر برلین غربی جشنی تحت عنوان "شب نیکاراگوئه" برگزار گردید. در این جشن، یکی از مقامات سفارت نیکاراگوئه در جمع، در مکزیک آلمان نیز شرکت داشت. ایشان در مصاحبه‌ای با "اکثريت" به سؤالاتی چند پیرامون انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت کنونی آن پاسخ گفت. ضمن تشکر من این مصاحبه را برای خوانندگان "اکثريت" درج می‌کنیم.

س: در روزهای آتی خلق نیکاراگوئه پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب خود و آغاز ششمین سالگرد حیات پیروزمند انقلاب را جشن می‌گیرد. می‌توانید بطور خلاصه بگوئید که در آستانه ششمین سال پیروزی چه وظایفی مشخصی دولت و مردم انقلابی نیکاراگوئه در پیش دارند؟

بطور خلاصه و جمع‌بندی شده، مهمترین وظیفه در این سال، بازهم مبارزه پیگیر و بی‌امان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و مبارزه برای نابودی کامل ضد انقلاب و حفظ و بسط دستاوردهای انقلاب در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌باشد. بهبود وضع عمومی مردم، ادامه مبارزه با بیسوادی و محو کامل آن، بسط سیستم بهداشتی، سعی بیشتر در مکانیزه کردن کشاورزی و ایجاد صنایع سبک و متوسط، اینها وظایفی هستند که همگام با مبارزه با ضد انقلاب سازمان یافته از طرف "سیا" باید انجام رسانده شوند.

س: فشارهاییکه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر خلق نیکاراگوئه



۲- مرکز دولت در ماناگوئه، کارلوس فون سکا موسس‌جبهه آزادیبخش‌سازان نیست F.S.L.N که در مبارزه چریکی در سال ۱۹۷۴ به شهادت رسید.

بر روی شعار آمده است: هر کارگر، یک مبارز در راه دفاع از انقلاب و ساختمان سوسیالیسم (آنها وارد نیشینند)

منظور ضد انقلابیونی است که در خارج از مرزها مستقر و سعی در رخنه کردن به خاک نیکاراگوئه انقلابی را دارند.

کند، بهمان اندازه به عمق و وسعت مشکلاتی که باید از پیش‌پای برداشته شوند هم می‌رسد. بعد از پیروزی انقلاب، تقریباً ۸۰-۷۰٪ مردم در بیسوادی مطلق بسر می‌بردند. مبارزه با این عامل عظیم عقب ماندگی احتیاج به رهبری دقیق و منضبط، اراده آهنین و هراس‌ناشتن از مشکلات و بهره‌گیری از کلیه امکانات بود. ما در عرض چهار سال، یعنی تا یکسال پیش تعداد بیسوادی را به سطح ۱۲٪ رساندیم و مطمئن هستیم که در یکسال اخیر از این سطح هم پایین تر آمده است. البته باید از نبودن کادر متخصص، عدم امکانات فنی، نبودن مدرسه، کتاب و قلم، نبودن جاده، توطئه‌های ضد انقلاب در این رابطه مخصوصاً در نواحی مرز نشین یاد کرد. در این مساله مهم و حیاتی ما هیچگاه، کمک‌رفقایمان از کویا را فراموش نخواهیم کرد و ارجح خواهیم نهاد.

س: بتازگی رفیق دانیل ارتگا سفری به کشورهای سوسیالیستی و از جمله به اتحاد شوروی نموده است، می‌شود چهارچوب مذاکرات رفیق ارتگا را شرح کنید و اصولاً چه ارزیابی از این سفر دارید؟

این سفر اصولاً به خاطر شناخت بیشتر نیکاراگوئه از دوستان جهانی انقلاب نیکاراگوئه و گفتگو راجع به بسط روابط با این کشورها در زمینه علمی، فنی، اقتصادی و فرهنگی است. البته به خاطر پایان نیافتن این سفر (تاریخ ۳۰ ژوئن) بیانیه رسمی از طرف دولت نیکاراگوئه انتشار نیافته است، لیکن پس از انتشار این بیانیه ارزیابی دولت انقلابی نیکاراگوئه از این سفر را خواهید دید.

س: در صورت امکان کمی درباره مناسبات فنی ما بین نیروهای مترقی نیکاراگوئه از جمله حزب سوسیالیست توضیح دهید؟

حزب سوسیالیست نیکاراگوئه یکی از احزاب

در پنجمين سالگرد انقلاب نيکارا گوته

شرکت کننده در انقلاب و در جبهه‌هاست. ساند نیست، ما می باشد. این حزب در اتحاد با دیگر احزاب مترقی جبهه خلقی ساند نیست. ما را تشکیل میدهند. دیگر احزاب، حزب ساند نیست، حزب لیبرال‌ها، حزب خلقی دمکرات مسیحی می باشند. حزب خلقی دموکرات مسیحی از حزب دموکرات مسیحی منشعب شده است.

س: نظر شما راجعه اوضاع السالوادور چیست و رابطه شما با جبهه آزاد بیکش فارابوند و مارتی چیست؟

قبل از هرچیز ما معتقدیم که خلقهای آمریکای مرکزی و لاتین خود را بسدن دخالت خارجی باید حل کنند. ما از پیشنهاد های کشورهای گروه "گوتادورا" در مورد السالوادور دفاع می کنیم. ما از پیشنهاد جبهه آزاد بیکش ملی فارابوند و مارتی در مورد مذاکره با دولت پشتیبانی می کنیم.

س: انقلابهای ایران و نیکارا گوته تقریباً هم زمان بوقوع پیوستند و تقریباً همزمان بانه پیروزی رسیدند. اما متاسفانه می بینیم که انقلاب ایران در نیمه راه متوقف ماند و راه برگشت در پیش گرفت. لیکن وضع در انقلاب نیکارا گوته طور دیگری است. رمز موفقیت انقلاب و خلق نیکارا گوته را در کجا می بینید؟

در درجه اول میتوانم بگویم در سازماندهی خلق، در رهبری سازمانهای خلقی، در شناخت درست موانع و شجاعت، بخاطر برداشتن آنها، شناخت دقیق از جبهه ضد انقلاب و جبهه انقلاب و قدرت اخلاقی و معنوی خلق و اتحاد و بسیج خلق. اینها باعث گردیدند که خلق ما بتواند انقلابش را پیروزمند گرداند و پیش ببرد.

س: در خاتمه، خلق و انقلاب خلق ما در موقعیت بسیار دشواری قرار گرفته است. چه پيامی برای خلق ما و انقلاب ما دارید؟

یکی از اولین پرسنيپهای انقلاب ما، همبستگی بين المللی با کلیه ملل در بند و کلیه خلقهائی است که برای بدست آوردن آزادی و استقلال خود و در راه پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند. ما مبارزه خلقهای ایران را مبارزه خلق خود دانسته و در همان روزها خبر پیروزی انقلاب ایران را از صمیم قلب جشن گرفتیم. این پیروزی به ما از لحاظ معنوی قدرت بسی نهائی داد که رزم خود را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع توسعه دهیم، و ایمان ما را به پیروزی قطعی خلقمان چندین برابر کرد. و بهمین خاطر و به دلیل این ایمان است که مضمون هستیم که انقلاب و خلق ایران راه خود را از لابلای دشواریها و سنگلاخها خواهد یافت و به پیروزی قطعی خواهد رسید.

* حزب سوسیالیست نیکارا گوته، حزب طبقه دارگر نیکارا گوته میباشد.

صحنه‌ای از جنگ

از جنازه و زخمی پر شده است و من دارم روی آنها راه می روم. صد کردم حسن کجایی؟ حسن گفت بیاجلوتر. رفتم جلو تر و دیدم يك كانال كوچك آنجا هست و همه آنجا سنگ گرفته اند. داخل كانال پریدم، کنار ستم. مدتی آنجا بودم بدون آنکه يك تیر شایك کنم. در محاصره سه کمین عراقی بودیم. يك کمین تقریباً از بیسن رفته بود و دیگر باقی مانده بود. کمین اول ارتفاعش زیاد بود و بر ما مسلط بود. ناگهان

حسن فریاد زد. آری، جی زن، نور چشم امامی، بدو. همین طور تیر بار عراقی کار می کرد. آری، جی زن (آقای عطار) دوید کنار کانال پهلوی ما، که تیر در سرش خورد و افتاد. حسن آری جی را برداشت و شلیك کرد. همه جا بر ایم. بیا شد و افتادم. وقتی که بلند شدم آتش به پشت، به دیوار کانال خورده و حسن را سوزانده بود. اسلحه ام را برداشتم. مثل گنجها دیدم. به طرفی که دیدم نمی توانم راه بروم. افتادم روی زمین، به بغل دستم نگاه کردم، دیدم عبدالله بغل دستم است و بمپایش و چشمش تیر خورده است. پای خودم هم ترکش خورده بود. به عبدالله گفتم برگردیم عقب.

گفت برگردیم. با آن پایه هر زحمتی بود راه رفتیم در راه فرمانده کردان را دیدم با بی سیم می گفت، ما نتوانستیم روی امام را سفید کنیم و بی سیم جواب می داد، برگردید به عقب. ناگهان تیری به شکم فرمانده گردان خورد و افتاد. برگشتیم عقب و دیگر چیزی نفهمیدم. با این عملیات، از بچه های اندیشك، ۷۰ نفر مفقود و ۱۷۵ نفر زخمی شدند.

آقای رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع، در نماز جمعه این هفته، بار دیگر تاکید کرد که جنگ با عراق باید ادامه یابد. هر چه که می گذرد این جنگ، رنج و ویرانی و کشتار بیشتری ببار می آورد. اما مقامات جمهوری اسلامی را با این همه، کاری نیست. ما با درج قسمتی از نامه يك سرباز که به توصیف عملیات "خیبر" (اسفند ۶۲) اختصاص دارد، گوشه کوچکی از این جنگ مدتها را تصویر می کنیم.

"... از صبح به ما گفتند که آماده باشیم ممکن است عملیاتی در پیش باشد. حتی اجازه در آوردن پونین ها را برای نماز به ما ندادند. شب فرمانده تیپ سخنرانی می کند. ساعت ده شب در پشت خاکریزها، آماده برای دردن رزم بودیم. خیلی دلم می خواست عملیات، این شب نباشد چون خیلی خواب می آمد. يك پله بسیار بزرگ به ما داده بودند برای عبور از کانال های عراق. من سرم را روی پله گذاشتم و خوابیدم. ناگهان حسن پله را تکان داد. بیدار شدم. عملیات با گفتمن رزم آغاز شده بود. ساعت یازده و ده دقیقه بود. هنوز از سنگرها خودمان زیاد دور نشده بودیم که هوا پیمای های عراق روی سرمان منور ریختند. هر منور در حدود ۲۰ دقیقه روشن بود. عین آنتن بازی شنیده بود. مقداری که جلو تر رفتیم، آتش خمپاره خیلی زیاد شد. خواب از سرم پریده بود. غلام (فرمانده گروهان) دوید و گفت خیلی عقب هستید، پله را ولش کنید و به بچه ها برسید. به طرفی که قرار بود رفتیم. هر چه جلو ترمی رفتیم، آتش خیلی سنگین ترمی شد. ناگهان زیر پایم چیزی را احساس می کردم. نگاه کردم دیدم زمین

تبهکاران باید مجازات شوند!

در خیابان و تظاهرات ادامه می دهند. مسئولین برای متفرق ساختن تظاهرات کنندگان به حيله متوسل شده بابه صداد آوردن آژیر هوایی و قطع برق شهر و انمود می کنند که خطر حمله هوایی در پیش است و همان شبانه رئیس کمیته را از شهر در حقیقت از مجازات فراری می دهند. در پی این واقعه تعدادی از تظاهرات کنندگان با اتهام اخلاخل گری دستگیر می شدند.

انحلال "کمیته انقلاب" شهر بروجرد. فقط باعث تخفیف اعتراض مردم این شهر نشد، بلکه باعث شد تا اعتراضات گسترش یافته و به تظاهرات بزرگی مبدل شود. این کمیته بخاطر رسوایی بیحد گردانندگان آن و بخاطر اعتراضات مداوم مردم شهر بروجرد منحل گردید. اما مردم خواستار دستگیری و مجازات گردانندگان این لانه فساد بودند. در حالی که مسئولین تنها به دستگیری رئیس کمیته اکتفا کردند. در روز ۴ اخرداد مردم باره بیمایی و برگزاری اجتماعاتی خواستار محاکمه و مجازات فوری مجرمین بودند. تنها اتهامات بیرالوند (رئیس کمیته) عبارت بود از نگهداری ۸۰ کیلو تریاک در منزل، پس انداز ۹۰۰ میلیون ریال در بانک، قتل دو نفر و... مردم می گفتند "بیرالوند اعدام باید کرد". مقامات سپاه برای آرام ساختن مردم خشمگین، رئیس کمیته را در حضور مردم شلاق می زنند. اما مردم همچنان بانگ راخو آسته های خود به حضور

توضیح

چاپ بقیه "گزارشی از اوین"، بعلت تراکم مطالب این شماره میسر نشد. بقیه این گزارش را در شماره آینده خواهید خواند.



”محرورتر از همه اقشار جامعه، بازاریان ماهستند“

روزنامه اطلاعات طی ۹ سئوال از صاحب نظران ”خواسته است تا در مورد معضلات حکومت پاسخ‌گویی کنند .

در یکی از شماره‌های این روزنامه، پاسخ‌هایی به سئوال‌ات مزبور درج شده که نه‌سند به آنتکارترین شکل و غیران برین وجه هسته اصلی جهت‌گیری و سیاست‌های حکومت را افشا کرده است . عین متن برخی از پاسخ‌ها به قرار زیر است :

”ساده زیستن درست است ، ولی نباید با وجود داشتن سرمایه و مال . حلال لباس‌نوشید و اتومبیل ، نوسوار نشد و خانه یا آپارتمان نخرید ، بله ، در صورتی که وضع مالی خوب نباشد ، اشکال ندارد و ساده زیستن به شدت توصیه می‌گردد .

چون مهاجرت زیاد می باشد و راه حل مشکل مسکن ، عدم اجرای اصلاحات ارضی و برگردانیدن زمین‌های مصادره شده به مالکین و صاحبان آنها و همچنین برگرداندن روستائیان با زور به روستا و وادار کردن آنها به کار برای ارباب .

باید ما به آن مرحله برسیم که در روستاها مدبران قوی موجود باشد ، یعنی مالکین ، تا بتوانیم تولید را بالا ببریم و وضع کشاورزی را اصلاح کنیم و مانع اصلاحات ارضی گردیم ، آخر کجای اسلام (حوزه) با مالکیت مخالف است . مگر امامان ما مالک نبودند .

محرورتر از همه اقشار جامعه ، بازاریان ما هستند و برای رفع محرومیت اینها باید تجارت آزاد گردد و در اختیار سرمایه‌داران مومنان و مسلمان قرار داد . ” (اطلاعات ، ۷ تیر ۶۳)

صفا و صمیمیت کوخ نشینی !!

مسئول اداره بهزیستی :

” این مسئله (رفع استضعاف) احتیاج به همکاری و فعالیت مستمر رسانه‌های گروهی و مخصوصا صدا و سیما دارد که با برنامه‌های مشخص شده و . . . خوی کثیف‌کاخ نشینی را به مردم تفهیم کرده و صفا و صمیمیت کوخ نشینی را برای مردم توجیه کنند . ” (کیهان ۳ تیر)

يك توضیح قانع‌کننده!

پرونده انتخاباتی نمایندہ نوشهر (فرج‌الله افرازنده) به دلایل زیر مورد اعتراض قرار گرفت :

۱- عضویت در حزب منحلہ رستاخیز .

۲- شرکت در مراسم نیایش (۲۱ فروردین)

۳- تلاش در جهت تامین منوبات شامه معدوم .

مشارالیه منکر عضویت در حزب رستاخیز و تلاش در جهت تحکیم مبانی رژیم منحوس گذشته شدند و اعلام عضویت را تنها جهت فرار از شکار عوامل ساواک - منحلہ معرفی کردند .

نتیجتا اعتبار نامه ایشان با اکثریت آراء به تصویب رسید . ” (کیهان ۱۸ تیر)

اقتضاح نمایشات تلویزیونی

شیوه معتاد رهبران پ . ۱۰ ، در صحنه - نمایشات تلویزیونی مسخره و سرتا پا دروغ تلویزیونی باصطلاح ” اقرار و توبه ” ، آنچنان مفتضح شده است که حتی ، بازرگان ، نخست‌وزیر دولت و وقت هم بیم آن دارند که روزی ” کوسندگی منطق جمهوری اسلامی ” متوجه وی نیز بشود . بازرگان در آخرین جلسه دوره اول مجلس گفته است : ” تا در روز دیگر ، عمر نخستین مجلس شورای اسلامی که اینجانسب عضو آن بوده و از مزایای این عضویت از جمله مصونیت پارلمانی برخوردار بود نام بیایان می رسد از سپرفردا من نیز نظیر بقیه مؤکلینم ، قابض تعقیب و بازداشت و تأدیب هستم . بهمین دلیل نیز با استفاده از فرصتی که رئیس مجلس در اختیار بنده گذاشته اند می خواهم با اطلاع شما برسانم ، اگر در روزهای بعد مشاهده کردید که بنده را - بازداشت کردند ، و بعد با تبلیغات و سرصدا اعلام نمودند که بنده جهت بعضی توضیحات و روشن نمودن حقایق در تلویزیون ظاهر خواهم شد ، در صورتیکه دیدید آن شخص حرفهائی غیر از سخنان دیروز و امروز من میزند و مشعل طوطی مطالبی را تکرار می کند ، بدانید و آگاہ باشید که فرد مهدی ، بازرگان نیست . ”

حقیقی (!!) چند از زبان سرمقاله نویس

احمد عطاری ، سرمقاله نویس روزنامه ، اطلاعات :

” ما که الانه در جنگ زندگی نمی کنیم ! نه بو دجهمان جنگی است و نه مضائق زمان جنگ را می فهمیم . این خیلی مهم است که به مردم مرتباً نگوییم اگر جنگ تمام بشود فلان سال سه خود بخود حل می شود . ”

” حالا هرکس حرفی می شنود يك کلاغ چهل کلاغ همه جا آنرا جار می زند . اگر بگویند اینطور نیست در روز می گویند . توی اتوبوس تاکسی ، در صف شیر و نانوايي موقع گرفتن کوبن و خلاصه هر جا که بشود گزید می‌گزند . بی آنکه ترسی در بین باشد . من سپاهی و من کمیته‌چی هم که اینها را می بینم و می شنوم برای خودم حق زدن و بستن و خیر چینی کردن قائل نیستم (!!) نباید هم باشم (!!) فقط تلاش می کنم که بگیم آقا ، خانم اشتباه می کنید ، مطلب از این قرار است که . . . ” (اطلاعات ۱۲ تیر)

کاسه داغتر از آتش

کلاشان بین‌المللی که هزارگانهی مسه مناسبت سمینارهای باصطلاح بین‌المللی در هتل‌های تهران می‌خورند و می‌خوابند ،

گاه در دروغگوئی و تعلق گویی سبقت را از کلاشان داخلی نیز می‌رایند . پرفسور میر از دانشگاه ناتال یکی از آنها گفته است :

” انقلاب اسلامی ایران راه دیکسری در برابر سرمایه‌داری و کمونیسم ارائه داده است و قهرتین وجه این انقلاب جنبه اقتصادی آنست تجربیات ایران طرف پنجسال گذشته نشان داده که يك حکومت مذهبی ضمن اینکسب می‌تواند مردم را آزاد و آزادی آنان را نامیسن نماید قادر است فقر را نیز از بین ببرد ” (کیهان ۱۴ تیر)

طرح‌های جمهوری اسلامی

وزیر نفت در مورد امکانات جمهوری اسلامی در زمینه زندگی اقتصادی بدون درآمد نفت گفت : ” تاریخ نشان داده است که ملت ما قادر است بدون اقتصاد نفتی زندگی کند و در حال حاضر نیز کاملاً ایمن آمادگی را دارد . ضمناً دولت جمهوری اسلامی وظیفه خود می‌داند در امر اداره کشور بدون نفت طرح‌هایی اجرا نماید ، که بعضی از آنها را سروسامان داده است . ” (کیهان ۱۶ تیر)

بنظر می‌رسد از جمله طرح‌های حکومت که می‌تواند ” در حال حاضر ” جبران ۲۴ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت را بکند صد در سوهان و نعلین از قم ، کمبوت از خراسان ، زیره از کرمان و پسته از رفسنجان باشد .

شهروندان ونحوه اداره شهرداریها

در مطبوعات صبح و عصر مصاحبه وزیر کشور با تیترا درشت زیر به چاپ رسیده است :

” اداره شهرداریها به شهروندان واگذار می‌شود ” (مطبوعات ۱۴ تیر)

وزیر کشور در این مصاحبه گفته است :

” بر اساس قانون شهرها ، وزارت کشور ، شهرداریها را به شهروندان تحویل خواهد داد ” (همانجا)

البته جای تعجب ندارد ، حتماً در حکومت بی قانونی و قانون شکنی و خیانت ، اگر به قانونی استناد شود حتماً باید خبری باشد . خود جناب وزیر خیر اصلی را در ادامه مصاحبه خود می‌گوید :

” بدین ترتیب اداره و نیز تامین بودجه هر يك از شهرداریها بعهده شهروندان آن شهر محول می‌شود ” (همانجا)

صدور انقلاب از طریق ” گریپ فروت ”

زالی وزیر کشاورزی :

” اگر در جنوب مرکبات خوب بعمل می‌آید باید مورد حمایت قرار گیرد به نحوی که صادر شود و مثلاً بازار خلیج فارس را بگیرد و این مساله خودش برای صدور انقلاب ارزش دارد . مثلاً اگر در بهرم ” گریپ فروت ” خوب بعمل می‌آید نباید آنرا محصول غیر اساسی حساب کنیم . ” (اطلاعات ۲۰ تیر)

صیفی کاران زحمتکش جنوب

دست خالی و بدهکار به خانه‌های خود بازگشتند

قسمت بزرگی از زمینهای اندیشک و دزفول همه ساله زیرکشت خیار می رود. اسامال نیز زمینداران بزرگ، زمینهای صیفی کاری را به مدت یک ساله و دو ساله با اجاره بهای گزاف به کشاورزان بی زمین و کم زمین اجاره دادند، تا خود، کماکان در منطقه جنگ زده نباشند و غرض هو اطمینان و موشک‌ها، آرامش خاطرشان را بهم نریزند.

کشاورزان بعد از صرف مخارج زیاده و خریداری تخم خیار به بهای یک کیلو بین پنج هزار تا پنج هزار و پانصد تومان، تخم گوجه فرنگی بین چهار هزار و پانصد تا پنج هزار تومان و کدو مرغی به قیمت هرامشین، هفت هزار تومان و پسته تهیه حفاظ‌های پلاستیکی به قیمت گزاف و کشیدن آن روی کرت‌های صیفی کاربرهای خود، توانستند، صیفی جاتی به وسعت زیاد بکارند.

در موقت برداشت محصول، سپاه پاسداران با تمام نیرو در مقابل کشاورزان قرار گرفت و اعلام کرد: "هیچ زارعی حق ندارد محصولش را از مرز خوزستان بیرون ببرد، زیرا محصول مال خوزستان است و باید در خوزستان مصرف شود"، با توجه به اینکه در خوزستان، بویژه در آبادان و خرمشهر، بجز سپاه و بسیج و ارتش مصرف کننده دیگری وجود ندارد و همچنین در دزفول و اندیشک جمعیت ناچیزی بسر می‌برند که پس از حملات موشکی در کوهستانها بسر می‌برند و جهت خرید هرچند روز یک بار به شهر می‌آیند، می‌توان به نتایج دستور العمل سپاه پاسداران که به زور سرنیزه به کشاورزان جنوب تحمیل شد، پی برد.

کشاورزان از عرضه محصولات نوبری خود به شهرهای قم، اراک و تهران که به قیمت مناسب‌تری به فروش می‌رسید، محروم ماندند. محصولات آنها که بارنج فراوانی به دست آمده بود، با قیمت بسیار ناچیزی برای جبهه هاجم‌آور شد. کشاورزان که می‌خواستند، حداقل برداشتهای بعدی (چین‌های دوم و سوم) محصولات خود را در شهرهای دیگر ایران بفروشند، به "دفتر امام"، رئیس جمهور و مجلس و دولت تلگرافهای زیادی زدند، نتیجه اما زاین تلگرافها به "مراج" و دولت نگرفتند. در این میان خیارکاری به چین سوم رسید و به علت رسیدن محصول خیار سایر استانها، از جمله لرستان به بازار، بهای خیار از کیلویی سی تومان به هفتالی هشت تومان تنزل کرد.

در مورد سایر محصولات صیفی کساری خوزستان نیز وضع بهمین صورت بود، پاسداران از خروج ده‌ها کامیون هند و انسه از این منطقه جلوگیری کردند و محصولات کشاورزان در مقابل چشمان کشاورزان گنبد صیفی کاران جنوب، بویژه خیارکاران دزفول و اندیشک، پس از تحمل چندین ماه رنج و زحمت با دست خالی و بدهکار به خانه‌های خود بازگشتند و منتظرند در روزهای آینده بزرگ مالکان به کمک همان پاسدارهایی که خیار و هندوانه شان را خورده‌اند، به درخانه‌های آنها بیایند تا بقیه اجاره خود را مطالبه کنند و چون آهی در ساط ندارند، روانه زندانهای رهبر مستضعفین جهان گردند.

مثل ۸۸ سال پیش!!

"۸۸ سال پیش، در ریاضهای المپیک ۱۸۹۶، یک دوندۀ ای استرالیایی بنام "ادوین فلاک" مسافت ۱۵۰۰ متر را در ۴ دقیقه و ۲۳/۲ ثانیه دوید. در همین دوره دوندۀ دیگری بنام "توماس بورك" ۴۰۰ متر را در ۵۴/۳ ثانیه پیمود. در المپیک ۱۹۰۰ یعنی ۸۴ سال قبل شخصی بنام "الوین کرنز لاین" آمریکایی ۷/۵۵ متر پیمود. در المپیک برلین ۱۹۳۶ بنام "کنت کارپنتر" دیسک را به مسافت ۵۰/۷ متری پرتاب کرد."

و حالا بشنویم و مقایسه کنیم حد نصابهایی را که دوندگان و پرندهگان خودمان در مسابقات قهرمانی کشور، در شیراز بجا نهادند. "هاشم قربانعلی از تهران در ۵۰۰ متر با زمان ۴ دقیقه و ۵/۶۶ ثانیه اول می‌شود، یعنی زمانی که اندک فاصله‌ی با رکورد المپیک ۱۸۹۶ دارد و به نام زارع از فارس در ۴۰۰ متر چنان می‌دوید که اگر ۸۸ سال پیش با همین قدرت کنونی می‌دوید، عقب‌تر از "توماس بورك" قرار می‌گرفت و جایی در المپیک آن سال نداشت. در پش طول موسوی از کرمان و قتی خودشان را از زمین می‌کند ۶/۷۳ متر در رتر پایین می‌آید که ۸۴ سال پیش ۸۰ سانتی متر بیشتر از او می‌پزدند. رکورد ۵۰ متری قربانی در دیسک که ۵۰۰ متر اعتراض‌آیین و آن قرار گرفته و سبب می‌شود که او به آزمایشگاه بکشانند تا مگر به دو پیست دست نزنند باشد. چیزی است که ۴۸ سال قبل در ریاضیهای المپیک بجا آمد."

(دنیای ورزش ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۳)

مدیران نالایق دولتی، عامل تخریب

بی‌کفایتی‌های مدیران کارخانه‌ها و موسسات دولتی که برای خود شیرینی و تشدید استثمار کارگران دست به احصاقانه‌ترین کارها می‌زنند همواره خرابی‌ها و زیان‌های فراوانی ببار می‌آورد. تاسیسات مس سرچشمه منحصراتوسط این مدیران اداره می‌شود و بهمین خاطر آسیب بسیار به تاسیسات آن وارد شده است. اخیراً دستگاه آهن خردکنی آن از کار می‌افتد. مدیریت اصرار می‌کند تا بهمان صورت و بسد و نرفع نقض آنرا مجدداً بکار ناندازند. امتناع کارگران بی‌نتیجه می‌ماند. در نتیجه، پس از راه اندازی مجدد، دستگاه منفجر شده و به بخشهای دیگر نیز خسارات هنگفتی وارد می‌کند. نمونه دیگر آن در کارخانه البرز است که کارگران هنگام آغاز کار متوجه می‌شوند، از سوی مسئولین، چهار دستگاه در یک پریز بدون ترانس قرار داده شده است. اگر کار در این حالت شروع می‌شد، انفجار و آتش‌سوزی مهیبی رخ می‌داد. کارگران از کار بایند دستگاه‌ها خودداری می‌ورزند و به طوری در مقابل مسئولین کارخانه، می‌ایستند.

عدالت به چه دردی خورد؟

زندی در پاسخ آنها که از سرنوشت این پولها جویا شده بودند گفته بود که صدوق قرض الحسنه و مدرسه فیضیه دختران را تاسیس کردم. با اینکه نتیجه بازرسی، تایید اجلاسهای بی حساب بود اما هیات سرپرستی فوق همچنان به کارش ادامه داد. تا چندی قبل بالاخره حاکم شرع یا ختران اجدادی را از کار خلع و بازداشت می‌کند. این اقدام حاکم شرع خشم مقامات مسئول را برمی‌انگیزد. دادستان کل کشور آیت الله صانعی، بعنوان مجازات، حاکم شرع را عزل می‌کند. حاکم معزول اعتراض کنان به آقای صانعی می‌گوید، "من که جز اجرای عدالت کاری نکرده‌ام" صانعی با غضب پاسخ می‌دهد که "عدالت به چه دردی خورد، آبروی روحانیت را به خطر انداخته‌ای".

پس از انقلاب، نمایندگی ایران ناسیونال در باختران توسط هیاتی متشکل از "حاج آقا زندی" نماینده این استان در مجلس خبرگان، معصومی از سرمایه داران بزرگ شهر سیسده محمود اجدادی سرپرستی می‌شد. اجدادی "مکتبی" نمونه و برگزیده مسکولین شهری بود. ایشان که اموال تحت سرپرستی خود را باقی‌مانده غنیمت جنگی تلقی می‌کرد با حمایت و همراهی دیگر اعضای هیات به تاراج آن پرداخت و از ایمن بابت میلیونها تومان به چنگ آورد. همسر درآمد‌های واحد بجای اینکه به حساب شرکت ریخته شود، به حساب این سه نفر اریزمی‌شد. آنها بابت هر خود روی و اگدا شده ۵۰ هزار ریال علاوه بر نرخ مقرر ریافت می‌کردند. فساد بجایی می‌رسد که به ناچار کسانی از شورای عالی قضایی در سال ۶۱ برای بازرسی اعزام می‌شوند.

به مناسبت سالگرد آغاز جنگ داخلی اسپانيا ۱۹۳۶-۳۹

اسپانيا، صخره شهابتي که از هم شکافت

جنگ داخلی اسپانيا، شکوه رزمديرانه کمونيستها و دموکراتهای اسپانيایی، دوشينه دوش کمونيستهاي فرانسوي، ايتاليایی، آلماني، لهستاني، روسي، بلخاري، بریتانيایی... کاناډايی و آمريکايی که برای مهار کردن فاشيستم به ياری جبهه متحد خلق در اسپانيا، شتافته بودند، هنوز هم، بعد از گذشت سالها، الهام بخش تمامی کمونيستها و دموکراتهای جهان است.

به این ترتیب بوجو آمد، که تنها کمونيستها، بلکه از سوسياليستهای چپ، و ساير مبارزين تشكيل می شد و در آن از ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

اتحاد شوروی هوایما، سلاح، غذا و مشاور نظامی برای کمک به نیروهای جمهوریخواه فرستاد و سازمان ملل برای شناسایی رسمی جمهوری اسپانيای در حال نبرد، به مبارزه دست زد. کميترن به بين الملل دوم پیشنهاد کرد که يك جبهه متحد جهانی از طرف جمهوری اسپانيا تشكيل شود. مذاکراتی در این مورد صورت گرفت، اما به لحاظ مواضع سازشکارانه آن، هيچ نتیجه ای نداد.

سوسيال دموکراتهای دولتهای مختلف اروپای غربی، با اتخاذ سياست "بيطرفی" و "عدم مداخله"، در شرايطی که ضد انقلابيون فرانکويی از کمک نظامی بزرگ خارجی برخوردار بودند، جمهوری اسپانيا را از سلاحهای مورد نیاز محروم ساختند.

ارتش جمهوریخواهان، تحت این شرایط سخت، به نبرد قهرمانانه و نابرابر دست یازید. نبردهای مادريد، گواالاچارا، جاراما،

جنگ داخلی اسپانيا، زمانی آغاز شد که جهان بی وقفه به سوی جنگ بزرگی گام می گذاشت. هیتلر و موسولینی از همان آغاز برای کمک به فرانکو، نفرت و مبعات به داخل اسپانيا سرازيری کردند. این امر برای تمامی کشورهای فاشيستی خطر عظیمی در برداشت. مسلما پیروزی جبهه متحد خلق در جنگ داخلی اسپانيا، برای تمام مبارزه ضد فاشيستی و جنگ، اهمیت حیاتی داشت. کمونيستها، بادرک عمیق این موضوع و مطابق با آن عکس العمل نشان دادند. احزاب کمونيست سراسر اروپا و آمريکا از کارگران دعوت کردند، برای مبارزه در اسپانيا و اطلب شوند. بریگا دهی بين الملل، که

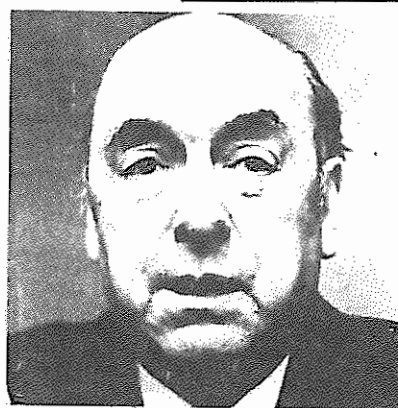
تروئل و بسیاری ديگر، نام مبارزين دليسر جمهوریخواه را برای همیشه در تاریخ مبارزات پرولتاریای انقلابی ثبت کرده است. در نتیجه این مبارزه نابرابر، پس از سه سال مبارزه، که جهان ضد فاشيستی از آن الهامی گرفت، در ۲۸ مارس ۱۹۳۹، مادريد سقوط کرد و جنگ سخت و خونين به پایان رسید. فاشيستها فاتح، سرمست از انتقام جویی و وحشیگری دهها هزار نفر از اسیران خود رازندانی نموده و به قتل رساندند. تقریباً بیش از نیمی از کمونيستها و دموکراتهای ساير کشورها که در کنار انقلابيون اسپانيایی می رزمیدند، ديگر به زادگاه خود بازنگشتند.

رهبری واقعی جنگ داخلی اسپانيا، در دست کمونيستها بود. آنها با دند کسه نقش واقعی جبهه خلق را درک می کردند و نیز آنها بودند که استعداد سازماندهی، و روحیه مصمطانه مبارزه جویی لازم را درآوردند.

شکست جبهه خلق در جنگ داخلی اسپانيا، سياستهای سازشکارانه و خائنانانه دموکراسیهای بورژوازی غرب و متحد و فاداران آنها، بين الملل دوم را افشا نمود. و همچنین قدرتهای فاشيستی را برای تهاجم بیشتر تشویق کرد. شکست جمهوری اسپانيا راه را برای جنگ دوم جهانی گشود.

پابلونرودا، شاعر بزرگ خلق شیلی، از زبان کنستانتین سیونوف نویسنده شوروی:

"او همواره آینده را باور داشت"



ارتولد ریکاردو واليسر نو قتالی ریسن باسواتو "شاعر بزرگ خلق شیلی، که جهانیان او را بنام مستعارش، پابلونرودا، می شناسند، ۸۰ سال گذشت. پابلونرودا، مبارز خستگی ناپذیر صلح و دموکراسی، که در نزد مردم میهن خود از محبوبیت خاصی برخوردار بود، بعنوان کاندیدای حزب کمونيست شیلی به مجلس سنای این کشور راه یافت. وی در سال ۱۹۵۳ جایزه صلح لنین و در سال ۱۹۷۱ جایزه ادبیات نوبل را دریافت داشت. چند روز پس از کودتای فاشيستی ۱۹۷۳ در شیلی، وی زیر بار بزرگ غم بدورد حیات گفت ۱۰ سال، هزاران نفر در گورستان سانتیاگو پایتخت شیلی گرد آمدند تا علیرغم "مفوعیت" مقرر شده از سوی رژیم، هشتادمین سالگرد تولد نرو دارا گرامی دارند. در سراسر شیلی میتینگ ها و جلسات یادبود بدین مناسبت برگزار شد.

کنستانتین سیونوف نویسنده بزرگ شوروی، که بانرودا از نزدیک آشنایی داشت، شاعر بزرگ خلقهای شیلی و آمريکای لاتین را چنین توصیف می کند:

"... او فردی با عقاید استوار در باره گذشته، حال و آینده بشریت، درباره انسانهای کاروانسانهای سود، درباره صلح و جنگ و درباره دوست و دشمن بود."

راههای صحیح بود. در طول تقریباً ربع قرن آشنایی من با پابلونرودا، زندگی در جهان ما برای کمونيستها با مشکلات غیر مترقبه همراه بود. در آن سالها ای سخت، کم نبودند هنرمندانی که و سوس... به اصطلاح راه سوم آنها را به دنبال خود می کشید. علت هم این بود که معلوم شد راه کمونيسم بسیار طولانی تر و صعب تر از آن است که در آغاز به نظرمی رسید، آنقدر طولانی، که شاید عمر کفاف ندهد، و آنقدر صعب، که شاید اراده هاف ندهد.

درو وجود نرودا، ایعانی تزلزل ناپذیر به آینده می زیست. این ایمان، جزئی بسیار مهم و تفکیک ناپذیر از تصویر است که از نرودا بعنوان انسان، سیاستمدار و شاعر در ذهن من نقش بسته است. صحت این ارزیابی درباره نرودا را تمام زندگی او و همه اشعارش تصدیق می کند. در هر يك از کتابهای او، از "اسپانيا در قلب ها" و "سرود نوی عاشقان" تا "استالینگراد گرفته تا سرود بزرگ"، هنر پرندگان و "ویا" چهار فصل قلب، با همه تنوع و با گستره عظیمی که اشعار او دارد، ایسین عقیده را سخن به آینده بشریت به چشم می خورد. اماند و تردید، از نظرم بهترین نکته درباره نرودا ایمان غرو آمیز، عمیق و بی شبهه به کمونيسم و همچنین نفرت عمیق و آشتی ناپذیر علیه هر آنچه و هر آن کس که آگاهانه و ناجوانمردانه به مبارزه با این آرمان بزرگ برخاسته است، می باشد. ایمان و نفرتی که در کلیه اشعار او ریشه دوانده است."

او در راه هدفی که بدان باور داشت پیکاری کرد، و این هدف، کمونيسم بود. او بسیاری اندیشید و بسیار رنج می کشید، از پیروزی هاشادمان می گشت، و اشتباهات و نواقص کار و راه خشم می آورد. او حقایق نامطبوع را در صحنه زبان می آورد و همواره، از جراحی دراز مرتدین، بخصوص آنهايي که به دنبال کسب همدردی ناخیاخت خود بوده و در ملا عام، بخصوص در مطبوعات بورژوازیسی، عجز و لایه می کنند، نشان می داد.

او در حافظه من چنین نقش بسته است: مرد سیاست و مرد وظیفه. انسانی که برای خود راههای ساده را جستجو نمی کرد، بلکه به دنبال

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۶۳ برابر ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۶

ارگانهای سرکوب رژیم باز هم گسترش می یابند

رژیم جمهوری اسلامی با درپیش گرفتن راه خیانت به انقلاب، خود را با مردمی رو برو می بیند که همچنان تحقق اهدافی را پی گرفته اند که انقلاب در دستو رکار قرار داده بسودد. د ولت مردان جمهوری اسلامی که گمان می کردند با تلفیقی از فریب و سرکوب قادر خواهند شد مردم را به تمکین در برابر مظام خود بکشانند، اینک با هراس درمی یابند که "با مردم آگاهسی رو برو هستند"، از تأخیر روغ و فریب کاسته می شود و پایه توده ایشان باز هم ننگ تسر می گردد و هر چه بیشتر بر سرکوب تکیه می کنند، ارگانهای سرکوب سابق تقویت می شوند و در کنار آنها ارگانهای تازه تری ایجاد می گردند. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران اخیراطلی مصاحبه ای رسما اعلام داشت که از این پس هر ساله قریب صد هزار نفر از مشمولین و وظیفه در اختیار سپاه قرار خواهند گرفت. به این ترتیب برانویه نفرات سپاه، چند صد هزار تن دیگر افزوده خواهد شد. این درحالی است که پیش از این نیز، نوجوانان و جوانانی که در واحدهای بسیج مستضعفین گردآورد شده بودند، در اختیار سپاه قرار داده شدند. برای تعلیم و نگهداری و تأمین تدارکات و تجهیزات این نیروی عظیم، از هیچ گشاده دستی خودداری نشده است. دریکسی از نمایشاتی که اخیرا در تهران برپا شده بود، صف پاسدارانی که سوار بر تریبی ۱۰م و ۲۰م رسیدن بقیه در صفحه ۲

تلاشهای اخیر دولت برای مهار تورم:

دست و پا زدن در يك با تلاق

شتاب روز افزون تورم در ایران، به حرکت بهمینی می ماند که دم بدم سرعت بیشتری گرفته و موانع ست و بی بنیادی را که در مسیر آن، بر پا می سازند، با اولین ضربه، به یکسو می افکند. حتی توجه به آمارهای ساختگی ارائه شده از سوی ارگانهای ذی ربط رژیم ج ۱۰ نیز می تواند دال بر افسارگسیختگی تورم موجود باشد. بر مبنای همین آمارها، شاخص عمومی

قیمت خدمات و کالاها، مصرفی اساسی، کسه با توجه به ضریب اهمیت هر يك از اقلام منظور شده در محاسبه، بدست می آید. از سال ۵۷ تا ۵۸ به میزان ۲۰/۱ درصد، از ۵۸ تا ۵۹ به میزان ۴۶/۲ درصد، از ۵۹ تا ۶۰ به میزان ۵۵/۴ درصد و از ۶۰ تا ۶۱ به میزان ۵۷/۲ درصد، رشد داشته است. ضریب رشد بقیه در صفحه ۴

حکومت تجار و مالکان و نمایش "هفته کمک به مستضعفین"

هفته "کمک به مستضعفین" با جبار و جنجال کوشش ران رهبران ج ۱۰ و بسسه سردمداری عسکراولادی معلوم الحل برگزار شد. رمنبران ج ۱۰ بعد از زیر پا نهادن تمام موعید خود به "مستضعفان"، در زمینه تأمین عدالت اجتماعی، اکنون بسا وقاحت مشغولتر کنندهای، بجای تأکید بر انجام اصلاحات بنیادین اقتصادی، اجتماعسی، و اجرای آن بخش از فصول و اصول قانون

اساسی که خواهان مهار فارتگری سرمایه داری و محور بزرگ مالکی در جهت رفح محرومیت توده ها، دهها میلیونی زحمتکشان شهرها و روستاهاست، سیاست رسیدگی به حال محرومان و رفح محرومیت از طریق "اعانات"، "صدقات" و "احسان" صاحبان سرمایه و ثروت را، بجا به سیاست راهبرمود تأکید قرار میدهند. سازمان بقیه در صفحه ۳

ایران بهشت قاچاقچیان بین المللی

یکی از پیامدهای جریان هجوم دستجات او باش و اشرار و قاچاقچی افغانی بسه کشورمان، در کنار فساد اجتماعی، بینداری نظیر دزدی، عینایت، آدم کشی و... که از جانب همین دستجات باصلااح مبارز و مجاهد صورت می گیرد، اشاعه فاجعه آمیز اعتیاد و گسترش دامنه پخش مواد مخدر در میهنمان است.

کسه در راس آنها، سازمانهای ضد انقلابی و مزدور افغانی قرار دارند، این روزها سادر مرزهای شرقی ایران آنچنان وسعت یافته است که روزنامه کیهان در گزارشی بیرامون همین مساله می نویسد: "کاروانهای حامل مواد مخدر گذرگاههای کم عرض و کوره راههای متروک مرزهای شرقی را پشت سر گذاشتند و دهها تن هروئین بقیه در صفحه ۵

صیفی کاران زحمتکش جنوب

دست خالی و بدهکار

به خانه های خود بازگشتند

در صفحه ۹

کمک های داوطلبانه دیروز

سرکسسه کردن شهادانه امروز

در صفحه ۵

بیا قابه یاد شهیدان تیر!

در صفحه ۲

بردنها و بردنها

گزمه ها و گشتی ها

در صفحه ۵

اسپانیا، صخره شهادتی

که از هم شکافت

در صفحه ۱۰

مصاحبه نشریه "اکثریت"

با یکی از مقامات سفارت نیکارا گوه

در "شب نیکارا گوه"

در صفحه ۶

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

رویدادهای جهان



تشکیل کمیته ویژه برای کمک به قطع جنگ ایران و عراق

نمایندگان احزاب و سازمانهای اجتماعی و دانشمندان ۱۰۷ کشور در کنفرانسی که در بغداد بمنظور بررسی عواقب خطرناک جنگ ایران و عراق برای صلح و امنیت بین المللی برپا گردید، شرکت کردند. در این کنفرانس، بسیاری از سخنرانان اظهار داشتند آمریکا از جنگ ایران و عراق برای افزایش حضور نظامی خود در منطقه استفاده می کند. در این کنفرانس، تصمیم گرفته شد کمیته ویژه ای برای کمک به قطع عملیات جنگی میان ایران و عراق، تشکیل گردد. جنگ ایران و عراق همچنین یکی از موضوعهای مورد بحث در کنفرانس روسای پارلمان های کشورهای عربی بود که روز دوشنبه ۲۵ تیرماه در دمشق گشایش یافت.

امضاء موافقت نامه، میان سازمانهای عمده فلسطینی

در الجزیره، موافقتنامه ای میان سازمانهای عمده جنبش فلسطین، فتح، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه آزاد ییخش فلسطین و حزب کمونیست فلسطین به امضاء رسید. در این سند، ضرورت تحکیم انسجام و بهم فشردگی صفوف سازمان آزاد ییخش فلسطین بمثابه نمایندگی قانونی خلق عرب فلسطین مورد تاکید قرار گرفته است. موافقتنامه همچنین اشاره دارد که مشی میهن پرستانه "ساف" باید حفظ و تقویت شود. شرکت کنندگان در مذاکرات، لازم دانستند که اجلاس جدید شورای ملی، پارلمان فلسطین، تا روز پانزدهم سپتامبر سال جاری تشکیل شود.

واشنگتن پست: "مجاهدین" افغانی راهزن، قاتل و قاچاقچی اند

اگر تابحال در مطبوعات و رسانه های بورژوازی، از ضدانقلابیان افغانی بعنوان " مبارزان آزادیخواه"، "مجاهدین مسلمان" و... نام برده می شد، حال پاره ای عوامل باعث شده است که " شاه" کارهای این اشرا در برخی روزنامه های غربی نیز بازتاب یابد. مهمترین دلیل این خود افشاگری، آن است که اربابان آمریکایی و اروپایی از نتیجه چند سال کمک های میلیونی نقدی و ارسال اسلحه برای "مجاهدین" افغانی چندان راضی نیستند، زیرا بسیاری از سران گروه های اشرا، بجای انجام وظیفه خود، خرابکاری و جنایت در افغانستان انقلابی، سخت پی برکردن جیبهای خود و یالا بردن رقمند و خسته - هایشان در بانکهای سوئیس مشغولند. انتشار

این یا آن گزارش در مطبوعات غرب، در باره گوشه ای از حقایقی که افشاگر " رهبران مسلمانان" افغانستان است، بمنظور تحت فشار قرار دادن آنها انجام می گیرد، تا این " رهبران" از دلارهای آمریکایی در جیبی که منظورشده (انجام عملیات ضد انقلابی در افغانستان) استفاده کنند و نه برای زراد و زی شخصی. بعنوان مثال، " سلینگ هریسون" که در سالهای اخیر " رهبر" های زیادی در مورد افغانستان برای مطبوعات بورژوازی غرب نوشته و دروغ های بسیاری پراکنده است، اخیراً طی مقاله ای در واشنگتن پست روزنامه آمریکایی، از برخی موارد اختلاس، ارتشاء، قاچاق مواد مخدر، راهزنی و قتل در ارد و گاهبگهای ضد انقلابیون افغانی در پاکستان پرده برداشته. هریسون می نویسد و وقت آن فرا رسیده که از "مجاهدین" افغانی همانطور که حقیقتاً هستند نام برده شود، یعنی " اشرا و مزدوران" وی می افزاید این "مجاهدین"، به " مبارزه" خود تنها بمنظور برکردن جیب خود از پول سرویس - های جاسوسی غربی ادامه می دهند.

آغاز کار کمیته ویژه سازمان ملل برای اقیانوس هند

اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد در باره مسایل اقیانوس هند، شروع به کار کرد. در این اجلاس، نمایندگان ۴۷ کشور شرکت دارند و مسایل مربوط به تدارک تشکیل کنفرانسی برای تدوین موافقتنامه بین المللی در باره تیدیسل اقیانوس هند به منطقه صلح رامو در بحث قرار می دهند. در این اجلاس، اتحاد شوروی پیشنهاد کرد جهت پایین آوردن سطح تنش و وضع در این منطقه، بی درنگ تدابیر عملی اتخاذ شود. رئیس هیات نمایندگی شوروی خواهان آن گردید که کشورهای که در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس واقع نشده اند، از ارسال واحد های بزرگ نیروی دریایی به منطقه، انجام مانورهای نظامی و ایجاد پایگاه های نظامی خودداری نمایند. اتحاد شوروی برخلاف آمریکا خواهان استمرار برگزاری هرچه زودتر کنفرانس بین المللی در باره اقیانوس هند، بمنظور غیرنظامی کردن این منطقه است. دولت شوروی، ۲۰ سال پیش از این، پیشنهاد نمود که ناحیه اقیانوس هند و خلیج فارس بعنوان منطقه صلح می گردد، از مفاد این بیانیه حمایت کرده است، در مقابل، آمریکا و متحدین آن، همواره مشغول کارشکنی علیه تلاشهای بین المللی بمنظور کاهش تنشجات در اقیانوس هند بوده اند. دایرکردن ۳۰ پایگاه نظامی، منجمد پایگاه بسیار بزرگ جزیره " دیه گو گارسیا" استقرار سلاح هسته ای در این پایگاه، حضور دوناو گروه مرکب از ۴۰ نساو جنگی بسرکردگی دوناو هواییمابرای آمریکا، وجود ۱۸۰ هواییمای جنگی که ۸۰ فروتنند

آن قادر به حمل اسلحه هسته ای هستند، انجام مانورهای نظامی سالانه در خلیج فارس، اختصاص ۲۵ میلیارد دلار به نظامی کردن خلیج فارس در عرض ۵ سال، تشکیل نیروی واکنش سریع و " فرماندهی مرکزی" که حوزه عمل آن ۹ کشور و از جمله ایران را در برمی گیرد، از جمله اقدامات مفسده جوینان آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس است. تنشج آفرینی اخیر در خلیج فارس چهره آمریکا را بعنوان دشمن صلح و امنیت منطقه افشا نمود.

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری علیه سیاستهای ریگان

روز یکشنبه ۱۵ ژوئیه، حدود ۲۰۰ هزار کارگر و کارمند آمریکایی در خیابانهای سانفرانسیسکو به راهپیمایی پرداختند. تانسبت به سیاستهای داخلی و خارجی ریگان اعتراض کنند. این راهپیمایی به ابتکار و دعوت اتحادیه های سندیکایی برگزار شد و مردم از تمام مناطقی آمریکا در آن شرکت داشتند. شعارهای عمده راهپیمایان عبارت بود از: " ما کار و صلح می خواهیم"، " مرده باد مسابقه تسلیحاتی!" و " حقوق و آزادیهای اتحادیه ها را تضمین کنید".

هفته بین المللی همبستگی با مردم نیکاراگوئه

از پانزدهم تا ۲۱ ژوئیه، هفته بین المللی همبستگی با مردم نیکاراگوئه است. در چارچوب این هفته، در کشورهای گوناگون به نشانه پشتیبانی از مردم قهرمان نیکاراگوئه که هدف دسیسه های خصمانه آمریکا و باند های ضد انقلابیون تحت حمایت " سیا" قرار گرفته اند، اجتماعات و راهپیمایی های برگزاری گردد. از جمله، می توان از برگزاری تظاهرات در مبعوثی، کلکته، مدرس و سایر شهر های هند و ستان به دعوت کنگره اتحادیه های صنفی سراسر هند و ستان، حمایت شرکت کنندگان در تظاهرات ۲۰۰ هزار نفره در سانفرانسیسکو از مبارزه مردم نیکاراگوئه، جمع آوری اعانه در کشورهای مختلف برای کمک به ساختن مدارس، بیمارستانها و... در نیکاراگوئه و... نام برد.

جنبش اعتصابی

در بریتانیا گسترش می یابد

چهار ماه پس از آغاز اعتصاب کارگران معادن بریتانیا در اعتراض به برنامه های دولت برای تعطیل تعدادی از معادن بزرگ و اخراج کارکنان آنها، که همچنان ادامه دارد، کارگران تمام بناد رهم بریتانیا نیز به اعتصاب دست زدند. هدف از این اعتصاب، اعلام همبستگی با معدنچیان و نیز تحقق برخی خواسته های کارگران بناد راست. دولت تاجر قصد دارد در مقابله با این اعتصاب نیز از حربه زور استفاده کند. از جمله، اعلام حکومت نظامی و استفاده از سربازان بجای کارگران بناد تحت بررسی است.



اعتصاب در مغان

در کشت و صنعت مغان، کارگران و کارمندان کوشیدند از طریق اعتصاب و تحصن، مدیرعامل فاسد و ضدانقلابی را اخراج نمایند. این واحد بزرگ نیز به تیول مدیران ضد انقلابی تبدیل شده است. روشن است که این مدیران برای بهره‌کشی هرچه بیشتر از کارکنان، دستمزدها را در سطح پایین، ثابت نگه می‌دارند و کارکنان معترض را اخراج می‌نمایند. در اردیبهشت ماه کارکنان با خواست اخراج مدیرعامل، افزایش دستمزد و بازگشت کارکنان اخراجی دست به تحصن می‌زند. آنها سپس در برابر بی‌توجهی مسئولین اقدام به اعتصاب غذا می‌کنند. اعتصاب غذا سه روز به طول انجامید.

راهپیمائی زنان

مشکل مسکن روزگار مردم مازندران کسری است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که همواره وعده می‌دادند بزودی مسکن مسکن را "حل" خواهند کرد. اینک از طریق بازگرداندن مستغلات و واحد‌های مسکونی بزرگ به صاحبان قبلی، "حل" آنرا آغاز کرده‌اند. مأمورین مسلح حکومتی، مختصر لوزم زندگی مردم را به خیابان‌های ریزند و کلید منزل را تقدیم صاحبان "ان" می‌کنند. مردم آواره شده به اشکال‌گونگون مقاومت و اعتراض می‌کنند. در ۲۳ اردیبهشت ۷۰ زن خانه دارد را لیکه کو دکانشان را به همراه داشتند، در اعتراض به تصمیم حکومت برای اخراج از منازلشان، در خیابان‌های تهران راهپیمایی می‌کنند. آنها قصد رفتن به مجلس را داشتند که در چهار راه صدق - سپه توسط نیروهای مشترک سپاه، کمیته و شهربانی، متوقف می‌شوند. کشاکش میان آنان منجر به انسداد خیابان و اجتماع و سیج جمعیت رهگذر می‌شود. مأمورین بالاخره مانع رسیدن آنان به مجلس می‌شوند اما نتوانستند مانع رساندن پیام و شکایت آنان به مردم گردند.

ادامه اعتراض در قائم شهر

مادر شماره قبل خبرخود دکشی یک پرستار در قائم شهر، که در پی افتراات رژیم پهلوی علیه اسلامیه بیمارستان، صورت گرفته بود در آورده ایم. تشییع جنازه و مراسم ختم او به صحنه ای برای ابراز انزجار مردم نسبت به مسئولین و نسبت به روشهای شناخت بار حاکمیت تبدیل شده بود. شرکت مردم بیسابقه بود. همکاران این پرستار ذری حادته، در اعتراض به انجمن اسلامی و مدیریت بیمارستان اعتصاب می‌کنند. آنها که

از همراهی دیگر مردم قائم شهر برخوردار بودند سپاه را و اداری سازند تا اعضای انجمن اسلامی و مدیر بیمارستان را بازداشت کنند. اما پس از آن و در پی آرایش و ضاع، سپاه، زندانیان را آزاد کرده و دستگیری پرسنل بیمارستان را آغاز می‌کند. تاکنون ده نفر از کارکنان دستگیر شده‌اند.

موعظه قاتلین اوین

برای خانواده قربانیان خود

برای رذالتهای لاجوردی و گماشتگانش حدی نیست. آنها بنحو بیمارگونه ای از آزار، لذت می‌برند. اخیرا لاجوردی، هیاتسی از کارکنان دادستانی مرکز را مامور مراجعه نزد خانواده‌های قربانیان خود کرده است. این مامورین اعضا این خانواده‌های داغدار را در منازلشان گرد آورده و وادارشان می‌کنند تا بسخنان و قیدانه شان گوش دهند. برای مادران و حواهران سیاهپوش شهید، نطق می‌کنند که چرا اعدام عزیزان حق و عدل بود. آنها شرح کثافی اندر عطف و انسانیت حاج آقا (لاجوردی) می‌دهند. بستگان شهیدان که توان تحمل قاتلین را در کنار خود ندارند. فحجه و زاری می‌کنند. از آنها می‌خواهند تا دست از سرشان بردارند.

حمل مازیک ممنوع!

در شماره های قبل نوشته بودیم که کثرت شعارنویسی توسط نیروهای انقلابی در خیابانها و اماکن عمومی، رژیم رانانچسار کرده است برای پاک کردن آن نیروهای تازه ای را به میدان بیاورد. علاوه بر نیروهای سابق مامورین پست، گشت شهریانی هم مامورین کار شده‌اند. بی نتیجه بودن این تشییحات رژیم را وادار کرده است که گویا به علت پیراژد. از این رو اخیرا دستور داده شد تا هرکسی را که مازیک به همراه دارد، توقیف کنند. در یک مورد در یکی از محلات پیرمردی که بی اطلاع از آخرین فرمان، مازیک در دست حرکت می‌کرد توقیف شد. از آنجا که او هم مثل بسیاری از مردان ایرانی، پدریک شهید بود، نتوانست آزاد شود.

سارق مسئول تشخیص صلاحیت

در دانشگاههای کشور واحدی بنام شورای پذیرش وجود دارد. این واحد از اختیارات بی حدی برخوردار است. احکام این شورای مامور در دانشجویان لازم الاجرا است. تمام اخراجهای دانشجویان به دستور ویابنام آنها صورت می‌گیرد. واحدی با این همه اختیار و قدرت بسیار مورد نظرو توجه عناصر فاسد و فرصت طلب است. از این رو تحت حمایت مسئولین جمهوری اسلامی اینگونه افراد شورای پذیرش دانشگاهها را در سراسر کشور قبضه کرده‌اند. در دانشگاه تربیت معلوم، دانشجویی بنام اکرامی از اعضا دینفوذ این

شوراست. او با استفاده از اختیارات خود بسیاری از اموال دانشگاه را سرقت کرد. رسوایی زدیهای او به آنجا رسید که رئیس این دانشگاه بهمین خاطر او را از شرکت در کلاسهای درس منع و محروم می‌کند. با وجود این ایشان همچنان بعنوان عضو شورای پذیرش باقی مانده و به تعیین صلاحیت دانشجویان مشغول است.

مخالفت پزشکان با طرح حکومت

اخیرا از سوی مسئولین امر طرح تازه ای در مورد نظام پزشکی تهیه شده است. برای تهیه آن از هیج یک از پزشکان (بجز مسئولین) نظرخواهی نشد. تنها پس از تدوین این پزشکان برای شرکت در جلسه ای دعوت می‌شود تا توجیه شوند. پزشکان بسیاری در جلسه مذکور شرکت می‌کنند تا از کم و کیف این طرح بنا خیر گردند. دکتر شیبانی از سوی مسئولین سخنرانی می‌کند و می‌گوید پزشکان را به دفاع از طرح بکشاند. از پیش حد و د ۱۵ نفر "حزب الهی" طبق برنامه معین در گوشه کنارسالسن نشاند می‌شوند. آنها موظف بودند در لحظات معینی از سخنان شیبانی با بانگ تکبیر، دیگران را نیز به تکبیر گویی و تایید بکشاند، که بکلی ناکام می‌ماند. حتی یکبار هم پزشکان بنا آنها همراهی نکردند. هیات تکبیرگو حتی کوشید با کف زدن، جمع را به تایید وادارند، ولی با زهم بی نتیجه بود. پس از اینکه شیبانی عرق ریزان کرسی خطابه را ترک می‌کند، پزشکی به نمایندگی از سری دیگران سخنرانی می‌کند و ضمن رد طرح به روش برخورد مسئولین با مساله نیز اعتراض می‌کند. در رای گیری پایانی، طرح با اکثریت قاطع مرد می‌شود.

**AKSARIYAT
NO. 16
FRIDAY, 20 JULY 84**

- Address آدرس**
- POSTFACH 23007 آلمان فدرال
- 6500 MAINZ 23 W. GERMANY
- P.O. BOX 101 انگلستان
- LONDON N17 6YU ENGLAND
- P.O. BOX 88156 ایالات متحده
- LOS ANGELES, CA 90086 USA
- G.P. 3125 ایتالیا
- 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY
- P.O. BOX NO 3018 هندوستان
- NEW DELHI 110003 INDIA